

اچ.جی. ویدوسن

تحلیل گفتمان

نگار ایل غمی - نگار داوری اردکانی



۱۰

Oxford Introductions to Language Studies

H.G. Widdowson

Discourse Analysis

Negar Ilghami
Negar Davari Ardekani



جامعه شناسان

ISBN: 978-600-223-221-2



9786002232212

تحليل گفتمان

اچ. جی. ويدوسن

مترجمان:

نگار داوری اردکانی، نگار ایل غمی



جامعه شناسان

سرشناسه: ویدوسون، اچ.جی.، ۱۹۳۵ - widowsion, H.G
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل گفتمان
تالیف: اچ.جی. ویدوسون مترجمان: نگار ایل غمی، نگار داوری اردکانی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۲۲۱-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Discourse analysis, 2007.
موضوع: گفتمان
موضوع: جامعه‌شناسی زبان

شناسه افزوده: ایل غمی، نگار، مترجم
شناسه افزوده: داوری اردکانی، نگار، ۱۳۴۵- مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۳۲۰۲/۹
رده‌بندی دیویی: ۴۰۱/۴۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۵۰۱۹



جامعه‌شناسان

تحلیل گفتمان
تالیف: اچ.جی. ویدوسون مترجمان: نگار ایل غمی، نگار داوری اردکانی

چاپ اول: ۱۳۹۵ تهران / تعداد ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان / مجتمع چاپ لیتوگرافی و صحافی: طیف‌نگار
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۲۲۱-۲
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۱۷
فروشگاه جامعه‌شناسان - تلفن ۶۶۰۰۰۵۱
تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۹۲۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM
Email: Sociologists15@gmail.com

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۱	هدف:
۱۱	طراحی کتاب
۱۱	مطالعات کلی
۱۲	مطالعات جانبی
۱۳	منابع
۱۳	فهرست واژگان
۱۵	مقدمه‌ی نویسنده
۱۵	درباره‌ی مطالب کتاب:
۱۷	سپاسگزاری

۱۹	بخش اول: مطالعات کلی
۲۱	فصل اول: کاربرد زبان
۲۱	نمونه‌ی زبانی
۲۳	متن چیست؟
۲۵	متن و گفتمان
۲۷	متن گفتاری و متن نوشتاری
۲۸	بررسی نمونه‌ای از متن گفت و گو درقطاری شلوغ
۳۰	نتیجه‌گیری
۳۳	فصل دوم: ارتباط
۳۳	دستور و برقراری ارتباط
۳۵	سه نوع معنی کاربردشناختی

۳۷	چهار جنبه‌ی تواتش ارتباطی.....
۴۲	نتیجه‌گیری.....
۴۳	فصل سوم: بافت
۴۳	شرایط کاربرد زبان.....
۴۳	بافت و دانش مشترک.....
۴۵	بافت فعال شده توسط متن:.....
۴۸	بافت غیرمشترک: نمونه‌ای از یک میدان جنگ.....
۵۱	بافت و ارزش‌گذاری مشترک.....
۵۳	نتیجه‌گیری.....
۵۵	فصل چهارم: قواعد طرحواره‌ای
۵۵	بافت و موقعیت.....
۵۶	مفهوم طرحواره.....
۵۷	چارچوبهای ارجاع.....
۶۲	چارچوب‌ها و پیش‌فرض‌های فرهنگی.....
۶۴	روالهای بینافردي.....
۶۸	جفت‌های همجواری.....
۷۱	ژانرها.....
۷۳	نتیجه‌گیری.....
۷۵	فصل پنجم: روابط همبافتی
۷۵	ساخت اطلاعاتی.....
۷۸	روابط درون‌متنی.....
۷۹	پیش‌مرجعیت و صورت‌ جایگزین.....
۸۱	انسجام.....
۸۳	انسجام درون‌متنی و اصل کم‌کوشی.....
۸۶	انسجام درون‌متنی و برون‌متنی.....
۸۹	نتیجه‌گیری.....

فهرست مطالب ۷

فصل ششم: تبادل معنایی	۹۱
دانش طرحواره‌ای و دانش سیستمیک	۹۱
همگرایی ارتباطی	۹۲
تبادل همگرایی	۹۴
اصل همکاری	۹۴
اصل کمیت	۹۵
تلویح	۹۷
اصول کیفیت، ارتباط و رفتار	۹۹
نیاز به همکاری و نیاز به قلمرو	۱۰۴
نتیجه‌گیری	۱۰۵
فصل هفتم: تحلیل انتقادی	۱۰۷
موضع‌گیری	۱۰۷
اصطلاحات ارجاعی	۱۰۸
انتخابهای واژگانی و اهداف اقناعی	۱۰۹
تحلیل انتقادی گفتمان	۱۱۱
اهمیت انتخاب متن	۱۱۲
تلویح‌ها و انتخاب واژگان	۱۱۳
تلویح و انتخاب دستوری	۱۱۴
نتیجه‌گیری	۱۱۸
فصل هشتم: تحلیل متن	۱۱۹
مشاهدات زیبایی واقعی	۱۱۹
هنجارهای کاربرد	۱۲۰
الگوهای باهم‌آیی	۱۲۲
ویژگی‌های زیرزنجیری معنایی	۱۲۴
نتیجه‌گیری: تحلیل متن و تفسیر گفتمان	۱۲۶

۱۲۹	بخش دوم
۱۳۱	فصل اول: کاربرد زبان
۱۳۱	متن ۱
۱۳۲	متن ۲
۱۳۳	متن ۳
۱۳۴	متن ۴
۱۳۷	فصل دوم: ارتباط کلامی
۱۳۷	متن ۵
۱۳۸	متن ۶
۱۴۱	فصل سوم: بافت
۱۴۱	متن ۷
۱۴۳	متن ۸
۱۴۴	متن ۹
۱۴۷	متن ۱۰
۱۴۹	فصل چهارم: قراردادهای طرحواره‌ای
۱۴۹	متن ۱۱
۱۵۱	متن ۱۲
۱۵۳	متن ۱۳
۱۵۵	فصل پنجم: روابط همبافتی
۱۵۵	متن ۱۴
۱۵۷	فصل ششم: تبادل معنی
۱۵۷	متن ۱۵
۱۵۹	متن ۱۶
۱۶۱	فصل هفتم: تحلیل انتقادی
۱۶۱	متن ۱۷
۱۶۲	متن ۱۸

فهرست مطالب ۹

متن ۱۹	۱۶۵
متن ۲۰	۱۶۷
فصل هشتم: تحلیل متن	۱۶۹
متن ۲۱	۱۶۹
متن ۲۲	۱۷۱
بخش سوم	
منابع	۱۷۵
جنبه‌های کلی زبانشناختی با تأکید بر گفتمان و کاربرد زبان	۱۷۷
فصل اول: کاربرد زبان	۱۷۸
فصل دوم: ارتباط	۱۷۸
فصل سوم: بافت	۱۷۹
فصل چهارم: قراردادهای معنی‌شناختی	۱۸۰
فصل پنجم: روابط هم‌متنی	۱۸۱
فصل ششم: تبادل معنایی	۱۸۲
فصل هفتم: دیدگاه‌های انتقادی	۱۸۲
فصل هشتم: تحلیل متن	۱۸۳
بخش چهارم	
لغت نامه	۱۸۵

پیشگفتار

هدف

کتاب حاضر یکی از مجموعه کتاب‌هایی است که برای معرفی شاخه‌های مختلف مطالعات زبانی به چاپ رسیده است. تا کنون متون تخصصی بیشماری در معرفی زمینه‌های مختلف زبان‌شناسی منتشر شده و نظریات و نتایج حاصل از پژوهش‌های این رشته را با جزئیات کامل در اختیار علاقه‌مندان گذارده است. اما، به دلیل ماهیت آکادمیک این کتاب‌ها، متن به کار گرفته شده در آنها اغلب پیچیده، طولانی و انباشته از اصطلاحات تخصصی است. به همین دلیل، مطالعه‌ی آنها برای تازه‌کاران این رشته می‌تواند سخت و حتی ناامیدکننده باشد. کتاب‌های این مجموعه کوششی برای معرفی کلی و مرحله به مرحله‌ی مفاهیم زبان‌شناسی با هدف معرفی ساده‌ی مفاهیم و اصطلاحات پیچیده هستند.

طراحی کتاب

همه‌ی کتاب‌های این مجموعه، براساس یک طرح مشترک نگاشته شده و شامل چهار بخش هستند: مطالعات کلی، مطالعات جانبی، منابع و فهرست واژگان.

مطالعات کلی

این بخش نگاهی اجمالی به مشخصه‌های اصلی شاخه‌ی مورد مطالعه در هر یک از کتاب‌های مجموعه دارد و اصول و مفاهیم کلیدی هر حوزه را بیان می‌

کند. این مفاهیم به شکلی ساده و با ارائه‌ی مثال‌هایی واضح معرفی شده‌اند؛ از همین روی، خوانندگان کتاب‌های این مجموعه برای فهم مطالب به دانش پیش‌زمینه‌ای در حوزه‌ی زبان‌شناسی نیاز ندارند. اما باید توجه داشته که ساده مطرح شدن مفاهیم زبان‌شناختی به هیچ روی به معنای ساده انگاشتن این مفاهیم و صدور مجوز تألیف این کتاب‌ها توسط افراد فاقد شرایط نیست. به این ترتیب، متون منتشر شده در این مجموعه گرچه برای همه قابل فهم است، ماهیتی چالش‌برانگیز دارند. در واقع، مطالب به گونه‌ای نگاشته شده که خوانندگان را به مشارکت انتقادی در گسترش مفاهیم زبان‌شناختی دعوت کند. البته، ممکن است انتخاب مطالب، درجه‌ی اهمیتشان و نوع ارائه‌ی آنها مورد پسند همه و حتی زبان‌شناسان نباشد. به هر حال، بخش مطالعات کلی در راستای هدف اصلی انتشار این مجموعه برای برقراری پیوند میان زبان‌شناسی و جهان خارج از آن نگاشته شده است.

مطالعات جانبی

شاید برخی از مخاطبان کتاب‌های این مجموعه، انتظار خواندن خلاصه‌ای از مطالعات کلی داشته باشند و احتمالاً برخی از خوانندگان پس از فراگرفتن کلیات مربوط به هر شاخه، خواهان یادگیری جزئیات بیشتر باشند. به منظور بر آوردن نیاز هر دو گروه از خوانندگان، بخشی با عنوان مطالعات جانبی در هر کتاب گنجانده شده که در آن قسمت‌هایی از متون تخصصی نوشته شده توسط بزرگان هر حوزه نقل شده است. این بخش هدفی متفاوت از مطالعات کلی دارد و به گونه‌ای طراحی شده است که توجه خوانندگان را به موضوعی خاص جلب می‌کند. در پایان هر نقل قول، پرسش‌هایی مطرح شده که توجه خوانندگان را به موضوعاتی از مطالعات کلی مورد بررسی جلب می‌کند و دیدگاه‌های مختلف را در مورد یک موضوع خاص معرفی می‌کند. هدف از این بخش، آشنا نمودن خوانندگان با اصطلاحات تخصصی مورد استفاده‌ی زبان‌شناسان و سوق دادن آنان به سمت مطالعه و تفکر انتقادی است.

منابع

در این بخش، مجموعه‌ای از آثار زبان‌شناسان به صورت طبقه‌بندی شده و متناسب با مباحث مطرح شده در هر فصل از بخش اول کتاب (مطالعات کلی) معرفی شده‌اند تا خوانندگان مشتاقی که خواهان یادگیری جزئیات بیشتر هستند به آنها مراجعه کنند.

فهرست واژگان

در متن کتاب، واژگان تخصصی زبان‌شناسی به صورت تیره‌تر مشخص شده‌اند. این واژگان به همراه توضیحی مختصر و به صورت الفبایی (انگلیسی) در فصل آخر کتاب آورده شده است تا هم راهنمایی برای خوانندگان باشد و هم خلاصه‌ای از موضوعات معرفی شده در بخش اول ارائه شده باشد.

مقدمه‌ی نویسنده

درباره‌ی مطالب کتاب:

کتاب حاضر درباره‌ی گفتمان به عنوان یکی از شاخه‌های مطالعات زبانی است. هدف از مطالعه‌ی گفتمان، یافتن راه‌های به کارگیری منابع رمزگذاری موجود در زبان در جهت برقراری ارتباط است. از این منظر، تحلیل گفتمان، مطالعه‌ای عام چگونگی ساخت و القای معنی در جریان تولید و درک متن توسط گویشوران است.

واژه‌ی گفتمان، اما، می‌تواند به گونه‌ای کاملاً متفاوت درک شود. تنها زبان مورد استفاده‌ی گویشوران نیست که معنی را می‌سازد، گروه‌های اجتماعی‌ای که این گویشوران در آن عضو هستند نیز در ساخت معنی مؤثرند. معانی ساخت‌های فرهنگی - اجتماعی واقعیات هستند و باورها و ارزش‌های برخاسته از شیوه‌های تفکر درباره‌ی جهان را توصیف می‌کنند. از این منظر، مطالعه‌ی گفتمان نه بر چگونگی درک زبان‌شناختی معنی در متن که بر چگونگی انعکاس ساخت اجتماعی در متون تمرکز دارد.

این دو شیوه‌ی تفکر درباره‌ی گفتمان مستقل و مجزا از یکدیگر نیستند و فقط بر جوانب متفاوت از گفتمان تأکید دارند. در کتاب حاضر، نگرش زبان‌شناختی به گفتمان بیشتر از نگرش جامعه‌شناختی به آن مورد توجه قرار گرفته و بر مفهوم گفتمان به مثابه‌ی کاربرد زبان تأکید شده است. با این وجود، در بخش‌هایی از کتاب، کلیات مفاهیم مربوط به تحلیل گفتمان از دیدگاه جامعه‌شناختی در بخش مطالعات کلی نیز مطرح شده‌اند تا امکان بحث و بررسی بیشتر در بخش دوم کتاب فراهم شود.

بخش اول: مطالعات کلی

فصل اول: کاربرد زبان

نمونه‌ی زبانی

هر نمونه‌ای از زبان را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. برای مثال، جمله‌ی زیر را که گزیده‌ای از مطلبی مندرج بر یکی از تابلوهای نصب شده در یک پارک است، در نظر بگیرید:

KEEP OFF THE GRASS

با نگاهی به این عبارت می‌توان اذعان داشت که عبارتی انگلیسی است و مشخصاً با جمله‌های فرانسوی، عربی، چینی و هر زبان دیگری فرق دارد. این عبارت شامل چهار کلمه است که همگی با حروف بزرگ نگاشته شده و تک‌هجایی هستند. داشتن اندکی دانش زبان‌شناسی به ما امکان بررسی بیشتر این عبارت را نیز می‌دهد. برای مثال می‌توانیم بگوییم ترکیب چهار کلمه‌ی فوق‌واحدی دستوری به نام جمله را به وجود آورده است، جمله‌ای امری که با جمله‌های خبری و پرسشی تفاوت دارد. این جمله از دو سازه‌ی اصلی تشکیل یافته: گروه فعلی که از دو واژه‌ی **Keep** و **Off** تشکیل شده و گروه اسمی که از ترکیب حرف اضافه‌ی **The** و اسم **Grass** به وجود آمده است. دانستن این مشخصه‌های دستوری در زبان انگلیسی این امکان را برای ما فراهم می‌آورد تا با جایگزین کردن واژگان آن، جمله‌های متعددی تولید کنیم که از نظر ساختاری شبیه به جمله‌ی فوق باشند؛ برای مثال:

Put out the light.

Turn off the tap.

علی‌رغم شباهت ساختاری این نمونه‌ها، تفاوت‌های گمراه‌کننده‌ای نیز میان آنها وجود دارد. بر اساس دستور زبان انگلیسی، جمله‌های فوق را می‌توان به شکل زیر نیز بیان کرد:

Put the light out.

Turn the tap off.

در حالی که چنین ترتیب واژگانی‌ای را نمی‌توان در مورد جمله‌ی نخست متصور شد؛ عبارت *Keep the grass off* در زبان انگلیسی، غیردستوری است. بررسی این شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری ما را وارد دنیای رمزآلود تحلیل‌های دستوری می‌کند.

در واقع، این بررسی‌های ساختاری و زبانی کار زبان‌شناسان است. در زنده‌گی روزمره، گویشوران برای به کارگیری زبان نیاز به چنین تحلیل‌هایی ندارند! به طور سنتی زبان‌ها برای ما در قالب اصطلاحات تحلیلی ثبت شده‌اند: دستور زبان، ترکیب‌های ساختاری ممکن را برای جمله‌سازی در اختیار ما می‌گذارد و فرهنگ لغت، معانی واژگان را به ترتیب حروف الفبایی، به ما می‌گوید. دستور و واژگان منابع رمزگذاری شده‌ای هستند که گویشوران هر زبان از آن مطلع‌اند و به طور ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کنند. هنگامی که گویشوری با یک اعلان عمومی روبه‌رو می‌شود، هیچ‌گاه آن را به عنوان یک نمونه‌ی زبانی تحلیل و بررسی نمی‌کند، بلکه تنها به مقصود جمله توجه می‌کند. در واقع، نوشته‌ی تابلو برای گویشور، مطلبی برای تحلیل علمی و زبانی نیست، بلکه عملی است که مخاطب باید آن را درک کرده و از آن پیروی کند. عبارت روی تابلو برای گویشور زبان یک متن محسوب می‌شود.

متن چیست؟

جمله واحدی انتزاعی در بررسی های زبانی قلمداد می شود، در حالی که متن کاربرد واقعی زبان است. ما به محض این که تشخیص دهیم یک قطعه ی زبانی با هدف برقراری ارتباط بیان شده است، می توانیم آن را متن بنامیم. برای این که تشخیص دهیم متن زبانی برای رسیدن به هدفی خاص تولید شده الزاماً نیازی به دانستن معنای آن نداریم، اما برای درک متن، مسلماً به به دانش زبانی نیازمندیم. مثلاً، اگر با زبانی آشنایی نداشته باشیم، تابلوی های شهری، دفترچه ی راهنمای ابزار، منوی غذا و غیره را می بینیم، و می فهمیم که این متون برای بیان مقصود خاصی به کار گرفته شده اند، ولی چون درکشان نمی کنیم، نمی توانیم به آنچه در متن بیان شده عمل کنیم. بدیهی است که برای درک مفهوم یک متن باید با زبان متن آشنایی کلی داشته باشیم. دانستن زبان متن، تنها شرط لازم برای درک آن نیست. گاهی ما معنی عبارتی را می دانیم، اما توانایی درک کاربرد آن عبارت در متن را نداریم.

حال برای بررسی بیشتر مفهوم متن، به نمونه ی زبانی ذکر شده در ابتدای فصل باز می گردیم. می دانیم که واژه ی "GRASS" (چمن) بر چه چیزی دلالت دارد (حتی اگر معنی این واژه را ندانیم با استفاده از فرهنگ لغت آن را می یابیم)، اما آنچه که واژه ی Grass بر آن دلالت دارد همان چیزی نیست که گروه اسمی the grass به آن ارجاع^۱ می دهد. حرف تعریف معرفه ساز the نشان می دهد، مرجع این گروه اسمی چیزی است که به دانش مشترک میان خوانندگان و نویسندگان این اطلاعیه مربوط می شود. حال سؤال اینجاست که کدام چمن مد نظر گوینده ی این جمله بوده است؟

شاید از دیدگاه مخاطبان، چمن اطراف تابلوی نصب شده در یک پیاده رو مورد نظر گوینده بوده باشد. در واقع ما برای درک متن، آن را با بافت

1 Denote

2 Refer

پیرامونش ارتباط می‌دهیم تا مرجع متن را پیدا کنیم. اما باز این پرسش پیش می‌آید که مرزهای این محدوده تا کجاست. آیا *the grass* تنها به پیاده‌رویی محدود می‌شود که تابلو در آن نصب شده؟ یا به پیاده‌روهای اطراف هم اشاره دارد؟ یا شاید کل چمن‌های منطقه را در بر می‌گیرد؟ در واقع محدوده‌ی مرجع در هیچ زبانی مشخص نشده است و ما فرضیه‌های خود را براساس دانشمان از تابلوهای شهری و شیوه‌های قراردادی درک آنها بنا می‌نهم. به بیان دیگر، ما برای فهم متن، آن را، هم با بافت موقعیتی حقیقی مرتبط می‌کنیم و هم با بافت انتزاعی فرهنگی که بر اساس قراردادها شکل گرفته است. با برقراری ارتباط بین متن و بافت، علاوه بر یافتن مرجع تابلو، علت وجود آن را نیز کشف می‌کنیم. با توجه به این تابلو، ما به ممنوعیتی پی می‌بریم که عمل کردن یا نکردن به آن از درک معنی‌اش جداست. این بحث در بخش‌های بعد بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

موارد مطرح شده در مورد این مثال خاص قابل تعمیم به سایر اطلاعیه‌هایی است که در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شویم. بر همین اساس وقتی متنی چون «با احتیاط حمل شود» را روی جعبه‌ای می‌بینیم، متوجه می‌شویم که متن اشاره به محتوای جعبه دارد و این عبارت یک «درخواست» محسوب می‌شود. یا هنگامی که تابلوی «رنگی نشوید!» را می‌بینیم، می‌فهمیم که این متن یک هشدار است و صندلی‌های اطراف این اعلان را تازه رنگ زده‌اند. هنگامی که با برچسب «دور از دسترس کودکان نگهداری شود» روی یک شیشه یا جعبه‌ی دارو مواجه می‌شویم، می‌دانیم که این متن هشدار می‌دهد در مورد داروی درون ظرف است و نه در مورد خود شیشه یا جعبه. برای درک این گونه اطلاعیه‌ها و برچسب‌ها، ابتدا آنها را با بافت ادراکی‌ای^۱ که در آن قرار گرفته‌اند مرتبط می‌کنیم و سپس با بافت مفهومی‌ای^۲ که مبتنی بر دانش ما از نحوه‌ی طراحی و

1 Perceptual Context

2 Conceptual Context

ایفای نقش این گونه متن‌ها پیوند می‌دهیم. برای درک این گونه متن‌ها، نمی‌توان صرفاً بر زبان و معانی درون‌زبانی تمرکز کرد. یافتن ارتباط بین متن ساده ای چون یک اطلاعیه و بافت‌اش سخت نیست، اما متن‌های دیگری هستند که حتی اگر ساده باشند، پیدا کردن این ارتباط در آنها چندان آسان نیست.

متن و گفتمان

متن‌های ساده‌ای که تا کنون در مورد آنها صحبت شد همگی براساس کاربردی خاص طراحی شده بودند: اطلاعیه، برجسب و دفترچه راهنمای دستگاه، همگی به صورت مستقیم برای انجام کاری و یا نشان دادن چیزی طراحی شده‌اند، در حالی که تمام متن‌ها، شکلی چنین ساده و کاربردی چنین واضح ندارند. بر خلاف متن‌های تک جمله‌ای که تا کنون بررسی کردیم، بسیاری از متن‌ها مانند راهنمای مسافران، مقاله، روزنامه، مصاحبه، سخنرانی، گزارش، شعر، بروشور و بسیاری از موارد دیگر دارای ساختار پیچیده‌تری هستند. بعضی از این متن‌ها، کاربردی واضح دارند و بعضی دیگر، محدوده‌ای از مقاصد اجتماعی متفاوت همچون بیان دیدگاه‌ها، اطلاع رسانی، ایده پردازی، تفنن و غیره را در بر می‌گیرند. این نقش‌ها و کاربردها معمولاً به شیوه‌های پیچیده‌ای با هم ترکیب می‌شوند: برای مثال، اگرچه یک راهنمای مسافرتی اساساً برای تأمین اطلاعات مورد نیاز مسافرت طراحی شده است، می‌تواند در عین حال هدف جذب گردشگر برای مکان معرفی شده را نیز دنبال کند و یا مقاله‌ای که در روزنامه‌ای با هدف بازنمایی حقیقت نگاشته شده، متضمن جهت‌گیری‌های فکری و دیدگاه‌های خاص نویسنده نیز هست.

متن‌ها، علی‌رغم سادگی یا پیچیدگی‌شان، همگی انواعی از کاربرد زبان هستند که برای اشاره به چیزی و رسیدن به هدفی تولید شده‌اند. ما، هنگامی که به نیت تولید عبارتی پی می‌بریم می‌توانیم محدوده‌ی زبانی متن را مشخص کنیم و آن را بر اساس دلالت‌هایش طبقه‌بندی کنیم. اما تشخیص یک متن به معنی درک مفهوم آن متن نیست. در یک متن خاص، ممکن است نتوانیم

مرجع مورد اشاره‌ی متن و یا قسمتی از متن را بیابیم و یا با وجود شناخت مراجع، نتوانیم هدف ارتباطی این ارجاع‌ها در متن را تشخیص دهیم. در مورد متن‌های ساده‌ای چون اطلاعیه‌های عمومی به راحتی می‌توان نیت تولید بافت و متن را درک کرد، اما در موارد پیچیده‌تر مانند مقاله‌ی یک روزنامه، پیدا کردن این رابطه همواره به سادگی امکان‌پذیر نیست.

دلایل مختلفی برای تولید متن وجود دارد: بیان ایده‌ها و نظرات شخصی، توضیح مفاهیم، فرستادن پیام، درخواست انجام کار و غیره. می‌توان این اهداف ارتباطی را به عنوان **گفتمانی** در نظر گرفت که پایه و اساس متن و مشوق تولید آن در مرحله‌ی نخست است. اما در سوی دیگر دریافت‌کنندگان متن قرار دارند: یعنی خوانندگان یا شنوندگان متن که باید برای برقراری ارتباط به معنای متن پی برده و آن را به عنوان **گفتمانی** به معنی تفسیر کنند. بر اساس این دیدگاه، متن در برگیرنده معنی نیست بلکه در واقع وسیله‌ای برای انتقال معنی از طریق گفتمان است. گاهی این انتقال معنی نسبتاً ساده است، مانند آنچه که پیشتر در مورد اطلاعیه‌های عمومی دیدیم: در این موارد معنی متن برای خواننده با آن چه که مدنظر تولیدکننده‌ی متن بوده مطابقت دارد. البته، باید در نظر داشت که متن، عموماً با **گفتمانی** که از آن نشأت گرفته همگرایی دارد؛ زیرا، اگر این همگرایی وجود نداشته باشد درک متن غیر ممکن می‌شود. اما ظهور این همگرایی در موارد مختلف متفاوت است. همان طور که همگی بر اساس تجارب شخصی خود می‌دانیم، با این که همواره برای ایجاد پیوند گفته‌هایمان در یک متن و به بیان دیگر، متن‌سازی تلاش می‌کنیم، همیشه این امکان وجود دارد که گفته‌هایمان به شکلی متفاوت از آنچه که مورد نظر ما بوده است تفسیر شود.

بر اساس آنچه گفته شد، در مباحث ما گفتمان هم برای اشاره به معنی‌ای که گوینده از متن در نظر دارد و هم معنی‌ای که شنونده درک می‌کند به کار می‌رود. البته، بسیاری بر این باورند که برای تفسیر معنی متن، باید متغیرهای اجتماعی و عقیدتی را نیز در نظر گرفت و از طریق آنها متن را ارزش‌گذاری

کرد. در این نگرش، سعی بر آن است که نشان داده شود چگونه یک متن برای بیان تفکری خاص و تحمیل آن بر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متن گفتاری و متن نوشتاری

متن، رد پای درک‌پذیر فرآیند انتقال پیام است؛ فرآیندی که خود مستقیماً درک‌پذیر نیست. در مکالمه، این رد پاها تکه تکه، زودگذر و ناپایدارند و برای رسیدن به اهداف بلافصلی گفتگویی تولید می‌شوند و بلافاصله پس از تولید نیز از میان می‌روند. اگرچه مکالمات روزمره را می‌توان ضبط کرد، معمولاً جز در شرایط خاص، کسی به ضبط مکالمات روزمره نمی‌پردازد. بنابراین، شرکت‌کنندگان در یک تعامل شفاهی که در جریان گفت‌وگوی خود «متن» را می‌سازند، برای انتقال گفتگویی که پایه و اساس متن است نیازی به حفظ و ثبت متن ندارند؛ چرا که این انتقال به صورت زنده و بدون فاصله‌ی زمانی تنظیم می‌شود تا همگرایی لازم بین مقصود گوینده و تفسیر شنونده برای رسیدن به هدف گفت‌وگو به وجود آید. اما تولید و تفسیر متن نوشتاری بر خلاف متن گفتاری، حاصل تلاش زنده و همزمان نویسنده و خواننده نیست. در نوشتار، متن توسط یکی از شرکت‌کنندگان گفت‌وگو، نویسنده، به عنوان بیان کامل و بدون کاستی پیام مورد نظر طراحی و به صورت کاملاً یک سویه ثبت می‌شود؛ سپس، در فرآیندی جدا خواننده به تفسیر متن می‌پردازد. در نتیجه، جریان انتقال پیام دچار اختلاف زمانی و مکانی می‌شود. این اختلاف زمانی، هماهنگی بین مقصود نویسنده و تفسیر خواننده را با دشواری مواجه می‌نماید.

در برقراری ارتباط کلامی سختی‌های دیگری نیز وجود دارد، زیرا افراد هنگام برقراری ارتباط کلامی تنها یک متن زبانی تولید نمی‌کنند. در یک گفت‌وگو، علاوه بر زبان از نشانه‌های فرازبانی از قبیل آهنگ، تغییر در زیر و بمی، درنگ، نواخت و حرکات بدن نیز برای انتقال پیام استفاده می‌شود. در نوشتار هم مانند گفتار می‌توان از علائم و روش‌های مختلف غیر زبانی برای رسیدن به هدف مورد نظر از تولید متن استفاده کرد، مثلاً برای نشان دادن اهمیت یک

مسأله می‌توان آن را تیره‌تر از سایر قسمت‌ها نوشت. گاهی برخی متون چندوجهی هستند، یعنی در این متون به غیر از امکانات زبانی از عکس، جدول، نمودار و غیره هم استفاده می‌شود. در نظر گرفتن این عوامل فرازبانی در تفسیر متن، گاه به مشکلات تحلیل آن می‌افزاید.

نبود رابطه‌ی متناظر و مستقیم بین متن و گفتمان نیز باعث به وجود آمدن مشکلاتی در امر برقراری ارتباط می‌شود. اگر ما می‌توانستیم همه چیز را دقیق و واضح توضیح دهیم؛ اگر می‌توانستیم تنها با ترکیب صورت‌های زبانی و استفاده از معانی ثابت واژگان، مفاهیم مورد نظر خود را بیان کنیم و مخاطبانمان تنها با تجزیه ساختاری زبان و درک معنی هر قطعه به مفاهیم مورد نظر ما پی می‌بردند، زندگی بسیار ساده‌تر می‌شد. در آن صورت، معنی متن بدون توجه به بافت معلوم بود و هدف مکالمه، در درون خود متن نهفته می‌بود. هنگامی که زبان را به کار می‌گیریم، این تنها معانی رمزگذارده^۱ نیستند که عرضه می‌کنیم؛ ما از این معانی رمزگذارده، بهره می‌بریم تا معنی مورد نظر خودمان را از متن بیرون بکشیم. معنی رمزگذارده، معنای معنی‌شناختی، مفهومی از واژگان است که در فرهنگ لغت و کتاب‌های دستور توصیف شده است. دانستن زبان، دانستن معنای معنی‌شناختی است. اما برای به کارگیری زبان، صرفاً داشتن این دانش کافی نیست. ما باید بدانیم چگونه از این دانش برای بیان مقاصد خود استفاده کنیم. به بیان دیگر، ما از معانی درون زبانی برای رسیدن به اهداف کاربردشناختی بهره می‌گیریم.

بررسی نمونه‌ای از متن گفت و گو در قطاری شلوغ

برای روشن شدن مباحثی که تاکنون مطرح شد به بررسی یک نمونه‌ی زبانی می‌پردازیم. فرض کنید که پاره‌گفتار زیر را به عنوان قسمتی از گفت‌وگوی دو نفر در یک قطار شلوغ می‌شنوید.

^۱ Encoded

He has put it in a safe place and it will not be found.

به عنوان یک داده‌ی زبانی و براساس دستور زبان انگلیسی، عبارت فوق یک عبارت کامل و خوش ساخت انگلیسی محسوب می‌شود. ساختار ماضی نقلی در قسمت نخست (has put) و مجهول در قسمت دوم (will not be found) منطبق بر قواعد دستوری هستند و مطابقت بین فاعل و فعل درست است، از نظر ساختاروی نیز فعل‌های جمله به درستی صرف شده‌اند و ترتیب واژگانی جمله نیز مراعات شده است. اگر به **واژگان** استفاده شده در جمله نیز نگاهی بیاندازیم، متوجه می‌شویم که این واژه‌ها همگی واژگان معمول زبان انگلیسی هستند (safe, put, place). اما یافته‌های ما از این جمله به مواردی که تا کنون مطرح شد محدود نمی‌شوند. ما با توجه به دانش زبانی و آگاهی از معنی درون زبانی واژگان و دستور این پاره گفتار، توانایی رمز گشایی آنچه در این عبارت T رمزگذاری شده است را داریم؛ با این وجود، هنوز بخش‌هایی از این جمله برای ما مبهم هستند: **he** کیست و **it** به چه چیزی اشاره دارد؟ هر یک از این ضمیرها یک مدلول اولیه دارند. **he** دارای مشخصه‌های معنایی مفرد و مذکر است و **it** مفرد و غیرجاندار. این دلالت‌های درون زبانی باعث کاهش تعداد مرجع‌های ممکن برای ضمائر می‌شوند؛ با این حال، هنوز نمی‌توان گفت مرجع **he** و **it** در جهان واقع چه کسی و چه چیزی است؛ شاید بتوان گفت گاهی آنچه در زبان معنی‌دار است، گاهی به لحاظ کاربردشناختی گنگ و نامفهوم است.

در مثال فوق یک پاره گفتار مورد بررسی قرار گرفت. پاره گفتار در واقع جزئی از یک گفت‌وگو است. این پاره گفتار قسمتی از یک متن است که دو فرد در یک قطار در جریان فرآیند گفت‌وگو تولید کرده‌اند. این دو شخص می‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند زیرا در بافتی که بر پایه‌ی دانش مشترکشان شکل گرفته در حال گفت‌وگو هستند. ما به عنوان شنونده، تنها ظاهر زبانی گفتمان آنها را درک می‌کنیم و به دلیل این که از بافت متن تولید شده اطلاع نداریم قادر به درک دقیق مکالمه‌ی این دو فرد نیستیم. هنگامی که

این دو فرد قطار را ترک کنند معانی متن تولید شده را نیز با خود می‌برند و ما حتی اگر به درستی زبان این متن را تحلیل کنیم هیچ گاه قادر به درک آن نخواهیم بود.

نتیجه‌گیری

هنگامی که افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، با استفاده از منابع معنای‌ای که در زبان آنها رمزگذاری شده و با توجه به بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، گفتمانی را فعال، و بدین وسیله پیام مورد نظر را به مخاطب منتقل می‌کنند. ظاهر زبانی این فرآیند، متن است. در گفتار، متن با همکاری مشترک و در جریان گفت‌وگو تولید می‌شود و به محض این که به هدف تولیدی خود برسد از بین می‌رود. در نوشتار، متن به شکلی یک سویه تولید شده و پایدار است. در متن نوشتاری نیز مانند متن گفتاری ردّ پای یک گفتمان که باید به وسیله‌ی مخاطب تفسیر شود، حضور دارد؛ و تفسیر متن و تناظر آن با مقصود نویسنده، خود مسئله‌ای قابل بررسی است.

در موقعیت‌های معمول به کارگیری زبان، تمرکز ما بر روی متن برای درک کارکرد گفتمانی آن است؛ به همین دلیل، متن و گفتمان را یکی می‌دانیم. اگرچه بعضی از زبان‌شناسان از معنی متن و آنچه که ما، به عنوان مخاطبان متن، از آن درک می‌کنیم صحبت می‌کنند و متن را قسمتی از فرآیند گفتمان می‌دانند، این امکان وجود دارد که ما تنها خود متن را بدون توجه به گفتمان آن بررسی کنیم. بررسی متن بدون توجه به گفتمان کاری است که نمونه‌خوان‌ها می‌کنند. در حقیقت آنها غلط‌های چاپی متن را یافته و آنها را بدون توجه به بافت گفتمانی تصحیح می‌کنند.

از سوی دیگر یک متن را می‌توان برای یافتن الگوهای به کار رفته شده در آن تحلیل و بررسی کرد، الگوهایی که تولیدکننده‌گانشان اغلب آنها را بدون توجه به مباحث زبانشناختی‌ای که در فصل‌های پیش رو مطرح خواهد شد و تنها برای رسیدن به مقاصد خاص خود، بیان می‌کنند. در مورد این گونه

فصل اول: کاربرد زبان ۳۱

بررسی‌های زبان‌شناسانه در فصول بعدی بیشتر صحبت خواهیم کرد، اما قبل از پرداختن به این موضوع، لازم است بدانیم چگونه از مفاهیم مطرح شده در این فصل - جمله، پاره‌گفتار، متن، گفتمان، معنی درون زبانی و معنی کاربردی - برای برقراری ارتباط کلامی استفاده می‌شود.